

تصاویر/صدایی در گوش تاریخ

۸ تیر ۱۳۹۳ ساعت ۱۴:۱۴

تیرماه یادآور یکی از روزهای گرم تابستان ۱۳۶۰ است که تاریخ ایران را گواه فاجعه ای بزرگ کرد و در آن روز صدایی مهیب گوش تاریخ را آزد.

آیت‌الله سیدمحمد حسینی بهشتی، رئیس وقت دیوان عالی کشور و بیش از ۷۰ نفر از مقامات و چهره‌های برجسته سیاسی از جمله چهار وزیر، چند معاون وزیر، ۲۷ نماینده مجلس و جمعی از اعضای حزب جمهوری اسلامی در جریان انفجار مقر اصلی این حزب به شهادت رسیدند.

تنها شش روز از عزل بنی‌صدر، رئیس جمهور منافق جمهوری اسلامی ایران می‌گذشته که این حادثه به وقوع پیوست. سه روز قبل از وقوع این حادثه، محمد جواد قدیری، عضو کادر مرکزی سازمان مجاهدین خلق و طراح اصلی انفجار مسجد ابوذر که در آن آیت‌الله خامنه‌ای، امام جمعه وقت تهران مورد سوءقصد قرار گرفت، به دوستان خود با اطمینان خبر داده بود که «روز هفتم تیر» کار یکسره خواهد شد.



روز حادثه به روایت اطلاعات

روزنامه اطلاعات در گزارش روز حادثه هفتم تیرماه نوشت: «گزارش خبرنگاران از محل انفجار به نقل از شاهدان عینی حاکی است که احتمالاً دو بمب بسیار قوی منفجر شده که صدای انفجار آن تا شعاع حداقل یک کیلومتر به وضوح شنیده شده است. این انفجار به هنگامی روی داده است که جلسه هفتگی حزب با حضور اعضای حزب، نمایندگان مجلس شورای اسلامی و احتمالاً چند تن از وزیران در این محل تشکیل شده بود. گزارش خبرنگاران در ساعت ۲۳ دیشب از مقابل دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی ایران حاکی بوده است که در زمان مخابره خبر ۲۰ مجروح به وسیله آمبولانس به بیمارستان‌های مختلف تهران از جمله بیمارستان طرفه و سینا انتقال یافتند و از بیمارستان طرفه خبر رسید که تا آن ساعت ۸ شهید که پیکر آن‌ها به کلی متلاشی شده را به این بیمارستان آورده‌اند. یکی از این شهدا آقای طباطبایی نماینده مجلس بود اما هویت هفت نفر دیگر هنوز مشخص نشده است. خبرنگاران در گزارش خود اضافه کرده‌اند که در فاصله ساعت‌های ۲۳ تا ۲۴ دیشب ۲۴ جسد را از زیر آوار خارج کرده‌اند.»

گزارش خبرنگاران در ساعت ۲۳ دیشب از مقابل دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی ایران حاکی بوده است که در زمان مخابره خبر ۲۰ مجروح به وسیله آمبولانس به بیمارستان‌های مختلف تهران از جمله بیمارستان طرفه و سینا انتقال یافتند

تاریخ نقاب از چهره منافقان زدود

روز هفتم تیر ماه ۱۳۶۰ اگر چه روزی است که ملت ایران، شهید بهشتی که خود «یک ملت بود برای این ملت ما» و نیز ۷۲ تن

از یاران انقلاب را از دست داد، اما در عین حال روزی است که چهره منافقین کوردل بیش از پیش برای همگان آشکار شده و صفوف انقلاب اسلامی را مستحکم‌تر ساخت. آن روز شهید بهشتی و تعداد زیادی از اعضای حزب جمهوری اسلامی در دفتر مرکزی این حزب در سرچشمه تهران جلسه‌ای داشتند؛ اما منافقین که منطقی جز ترور و خشونت نداشتند با بمب گذاری، شهید بهشتی و ۷۲ نفر از یاران او که دارای مسوولیت‌هایی همچون نمایندگی مجلس، وزارت و ... داشتند به شهادت رساندند.

در تحقیقات مشخص شده که در این عمل وحشیانه توسط سازمان تروریستی مجاهدین خلق تدارک دیده شده بود، یکی از افراد موثر در این جنایت فردی به نام محمد رضا کلاهی شناسایی شد.

حجت‌الاسلام محمدی ری‌شهری، اولین وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی ایران، در خاطرات خود آخرین و کامل‌ترین اطلاعات منتشره درباره کلاهی را ارائه داده است:

«محمد رضا کلاهی» بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، در سال ۱۳۵۷، به سازمان منافقین پیوست، ابتدا در انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه علم و صنعت و پس از مدتی با خط دهی سازمان از انجمن اظهار بریدگی کرده، ضمن اینکه در همان مقطع با سازمان ارتباط تنگاتنگی داشته، به عنوان پاسدار کمیته انقلاب اسلامی ولی عصر (تهران) واقع در خیابان پاستور، شروع به فعالیت می‌کند. چندی بعد با هدایت منافقین، به تدریج وارد حزب جمهوری اسلامی می‌شود.

کلاهی در تشکیلات دفتر مرکزی حزب در جایگاهی قرار می‌گیرد که از کلیه جریان‌های مهم حزبی و مملکتی (دولت، مجلس، نهادها و ...) مطلع بوده و همچنین مسئول دعوت‌ها برای کنفرانس‌ها، میزگردها و جلسات بوده، ضمن اینکه حفاظت سالن نیز به عهده او بوده است، وی مستقیماً زیر نظر یکی از افراد کادر مرکزی منافقین به نام هادی روشن روانی با نام مستعار مقدم قرار داشته است.

در تحقیقات مشخص شده که در این عمل وحشیانه توسط سازمان تروریستی مجاهدین خلق تدارک دیده شده بود، یکی از افراد موثر در این جنایت فردی به نام محمد رضا کلاهی شناسایی شد



کلاهی از تاریخ ۱۳۵۹/۹/۱ در منزل شخصی فردی به نام سعید عباس مودب صفت، به عنوان مستأجر و به صورت انفرادی زندگی می‌کرده و بعضاً افرادی را نیز با خود به منزل می‌آورده است، وی ساعت ۷ صبح از خانه خارج و حدود ۸ شب به خانه باز می‌گشت و در رفت و آمد بسیار محتاط و مرتباً خودش را چک می‌کرد و حتی برای رفتن به دستشویی، در اتاق خودش را قفل می‌نموده است.

وی چند روز قبل از انفجار حزب، کیف سامسونت خود را عوض کرده و یک کیف بزرگ را با خودش حمل می‌کرده و چون رفت و آمد وی در طول روز به حزب زیاد بوده، کمتر مورد بازرسی قرار می‌گرفت.



سرانجام کلاهی در سازمان

کلاهی پس از انفجار حزب جمهوری اسلامی، متواری و در خانه‌های تیمی منافقین مخفی شده و نهایتاً از طریق مرز غرب کشور توسط عوامل منافقین به عراق منتقل شد. در مقطعی که وی در ایران مخفی بود، گزارش‌های متعددی مبنی بر محل اختفای وی در مناطقی از جمله: جاده چالوس، روستای سیاه بیشه، قلعه میر فتاح در اطراف همدان، رسید که با مراجعه تیم‌های عملیاتی، نتیجه‌ای حاصل نشد.

در روزهایی که وی مخفی شده بود، برای ردیابی وی، دوستان، نزدیکان و خانواده وی از جمله برادرش محسن که همافر ناجا بوده، چندین مرحله مورد بازجویی قرار گرفتند، اما نتیجه مثبتی نداشت.

نامبرده در عراق در بخش عارفی (روابط با عراق) با نام مستعار کریم فعالیت می‌کرده و با یکی از منافقین به نام خورشید فرجی

زنوز، اهل تهران، ازدواج می‌کند. همسرش قبلاً مسئول نهاد بوده که تنزل رده داشته، مدتی فرمانده گردان ارکان (پشتیبانی) و مدتی مسئول تاسیسات بوده است، وی آموزش خلبانی را گذرانده، آخرین مسئولیتش به عنوان فرمانده یگان پدافند به اصطلاح ارتش آزادی‌بخش سازماندهی شده است.

گفته می‌شود کلاهی در سال ۱۳۷۰، نسبت به سازمان منافقین مسئله‌دار شد و پس از جدایی از سازمان طی سال ۱۳۷۲ از عراق به آلمان گریخته است.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۲۷۴۰۱/تاریخ-گوشه-صدای-تصاویر/>